

دربچه

در هفدهمین جشن سالانه منتقدان خانه تئاتر نشان‌نوشین به فرهادی و مساوات رسید

گروه هنر؛ در هفدهمین جشن سالانه منتقدان و نویسندگان و پژوهشگران خانه تئاتر که شامگاه پنجشنبه، ۶ دی ۹۷ با حضور اهالی فرهنگ و هنر در سالن زنده‌یاد عباس کیارستمی برگزار شد، تقدیرنامه عالی یونسکو از سوی دکتر حجت‌الله ایوبی به پری صابری و بهروز غریب‌پور و همچنین مدالیون نوشین به اصغر فرهادی و محمد مساوات اهدا شد. پس از تقدیر از پری صابری، وی یادآور شد: خوشحالم در جمع شما هستم و افتخار می‌کنم اینجا که حضور دارم. استاد پری صابری به دلیل تعدد آثاری که در زمینه ادبیات و تمدن ایرانی، در داخل و خارج از کشور روی صحنه برده، همواره مورد ستایش نهادهای جدی فرهنگی بوده است. ازهمین‌رو کمیسیون ملی یونسکو، تقدیرنامه عالی خود را به پاس یک عمر فعالیت ثمربخش در خلق آثار مبتنی‌بر تمدن و فرهنگ اصیل ایرانی به این هنرمند اهدا کرد. غریب‌پور در ادامه در واکنش به یکی از برگزیدگان که یادگته‌ای از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی افتادم، اوایل انقلاب وی گفت بازنشسته یعنی چوب خشک است؛ و پدرم که تازه بازنشسته شده بود از این سخن بسیار آزرده شد. وی عنوان کرد: اگر سایه پری صابری‌ها، چکنارایان‌ها، دهلوی‌ها و صاباها، بر سر ما نباشد ما نیستیم. من در نزدیکی ۲۰ سالگی همانند جوان ۱۷ ساله انرزی دارم. هنوز اگر آیدین آغداشلو امروز عصابه‌دست است، هنوز تجربه‌ی‌اش بی‌نظیر است. آیا می‌توانیم به وی یگویی برو خانه و از تجربه‌ات استفاده نکن؟ بازنشستگی ر هنر نیست و من به همین دلیل هنر را انتخاب کردم. در ادامه با حضور دکتر امیر روشن، رئیس دبیرخانه مسئولیت اجتماعی و دکتر یونس مظلومی، مدیرعامل بیمه تعاون، جوایز نشان مسئولیت اجتماعی اهدا شد. در این بخش سازان بیان برای کارگردانی خلاق و نگاه انسانی به مشکلات افراد ترنس‌سکسوال در نمایش «آبی مایل به صورتی» که نهایی است به جامعه و مسئولان تا عمیق‌تر به این پدیده اجتماعی بنگرند، تقدیر شد. دومین نشان مسئولیت اجتماعی به لیلی عاج برای کارگردانی هوشمندانه و همداردرهنده در نمایش «قند خون» اهدا شد. جوایز بهترین پژوهش سال به عباس بهارلو برای کتاب پژوهشی «پیش‌پرده و پیش‌پرده‌خوانی در ایران» و سامی صالحی‌ثابت برای کتاب پژوهشی «چگونه بهترین بازیگر جهان شوم» رسید. در ادامه هیئت داوران متشکل از دکتر یونس شکرخواه، دکتر حمیدرضا مدقق، دکتر بهروز غریب‌پور و استاد حمید جلیلی برای اهدای جوایز این بخش دعوت شدند. برگزیدگان این بخش معرفی شدند:

● بخش گزارش؛ رتبه اول: سبا حیدرخانی از خبرگزاری ایلنا/ بخش مقاله: رتبه اول: دکتر محمد نجاری و دکتر ابوالقاسم قوام از فصلنامه علمی، پژوهشی کهن‌نامه ادب پارسی/ بخش یادداشت: رتبه اول: دکتر شهرام خرازی‌ها از روزنامه بهار/ بخش ترجمه: رتبه اول: سارا منصوری از مجله نقد/ هنر/ بخش گفت‌وگو: رتبه اول: امیرحسین سیادت از نشریه دفترهای نیلا/ بخش نقد: رتبه اول: دکتر شهرام خرازی‌ها از روزنامه قانون/ بخش عکس: رتبه اول: سهیل صحرانورد برای مجموعه عکس‌های ارسالی وی به این مسابقه. انجمن منتقدان خانه‌تئاتر، با بررسی عملکرد ناشران در طول سال، از ناشرانی که در حوزه تئاتر اهتمام بیشتری دارند، تقدیر می‌کند و در این بخش از ژیلّا اسماعیلیان مدیر انتشارات نیلا تقدیر شد. همچنین جایزه خبرنگار سال و عضو فعال انجمن در سال ۹۶ به ترکس کیانی رسید. همچنین عالی‌ترین نشان انجمن منتقدان تئاتر، مدالیون نوشین را تقدیم اصغر فرهادی کرد که او نیز پس از دریافت این نشان گفت: خوشحالم در این جمع هستم و تأثیرگذارترین دوره زندگی خود را در تئاتر طی کردم. در ادامه، اصغر فرهادی جوایز برترین نمایش‌های سال ۹۶ از نگاه اعضای انجمن منتقدان خانه تئاتر را اهدا کرد. رتبه سوم برای دو نمایش «پسران تاریخ» به کارگردانی اشکان خلیل‌زاد و «روز عقیق» به کارگردانی حسین کیانی، رتبه دوم به دو نمایش اپرای عروسکی «خیام» به کارگردانی بهروز غریب‌پور و «فعل» به کارگردانی محمد رضایی‌راد و رتبه اول نیز به دو نمایش «بی‌پدر» و «این یک پیپ نیست» به کارگردانی محمد مساوات رسید.

تندروهایی که به آدم‌هایی دیگر تبدیل شده‌اند

هنر

گفت‌وگوی آنتونیا شرکا با کمال تبریزی به بهانه نمایش «مارموز»

تندروهایی که به آدم‌هایی دیگر تبدیل شده‌اند



بهناز شیربانی

«مارموز»، آخرین اثر سینمایی کمال تبریزی، مدتی است اکرانش را آغاز کرده و در این مدت کوتاه واکنش‌های متفاوتی نسبت به این فیلم سینمایی به راه افتاده است. ساخت فیلمی که در بستر کمدی، نقد فضای اجتماعی و سیاسی روز جامعه است، برای کمال تبریزی اتفاق تازه‌ای نیست، اما تبریزی معتقد است این‌بار با ساختاری که برای خودش نیز تازگی داشته به سراغ این موضوع رفته. آنتونیا شرکا، از سینمایی‌نویسان و کمال تبریزی درباره چگونگی ساخت این فیلم سینمایی، ارجاعات فیلم به برخی مسائل سیاسی و اجتماعی و تحلیل آنها با هم گفت‌وگو کرده‌اند که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

کلی در ذهن من است. همیشه به این فکر می‌کردم که آیا می‌توان هر دوی این حوزه‌ها را پوشش داد؟ فیلمی بسازیم که درعین‌حال که مخاطب عام داشته باشد، اما به لحاظ کیفی فیلم بدی نباشد. در دوران فیلم‌سازی‌ام منهای بعضی فیلم‌هایی که با علم به اینکه میزان مخاطبیش محدود خواهد بود، در باقی فیلم‌هایم سعی می‌کردم درعین‌حال که مخاطب‌پسند باشد، طوری هم نباشد که نتوانیم در یک جشنواره ارائه بدهیم و فکر می‌کنم هر دو حوزه روایت نکنم و به نظر اگر کارگردان در این حوزه زیاد آسودگی ورود کند، شاید تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار فکر کنند شیوه‌ای غیر از چیزی که طرح‌ریزی کرده‌اند باعث شکست فیلم در گیشه شود. اما شخصا معتقدم نوع توزیع و پخش فیلم‌ها اساسا دچار اشکال جدی است، چراکه تخصص آشنائی از جانب کسانی که ادعایی در این حوزه دارند وجود ندارد. اکثر آنها مدل تبلیغات قدیمی زمان قبل از انقلاب عمل می‌کنند. درواقع اکثر آنها تمام فیلم‌ها را در حوزه پخش در یک سید می‌گذارند. به نظر من نیاز است که حوزه مخاطب مشخص باشد؛ اینکه فیلم برای چه کسانی ساخته می‌شود؟ فیلمی که مدتی دانشجو‌ها و فضای دانشجویی است مدل فیلم دیگری اکران می‌شود و بعد می‌گویند چرا این فیلم بیننده نداشت یا چرا کسی فیلم را ندید؟ مثال این ماجرا، اکران فیلم «خانم یابا» است. «خانم یابا» جزء فیلم‌هایی است که من دوستش دارم، اما وقتی شکل تبلیغاتش با ماهیت فیلم متفاوت است و مکتبی از شکل تبلیغات حضور رضا عطاران، حمید فرخ‌نژاد و امین حیایی برداشت دیگری دارد و حس می‌کند به دیدن فیلم سراسر کم‌دی می‌رود، سرخورده می‌شود. به نظر من بهتر بود خانم یابا مثلا در گروه هنر و تجربه اکران می‌شد.

● با ایسن اوصاف در تقسیم‌بندی کلی؛ یعنی سینمای بدنه یا سینمای صاحب‌اندیشه، از نظر شما فیلم «مارموز» در کدام شاخه قرار می‌گیرد؟
فیلمی است که بیشتر با هدف تجاری و سرگرم‌کنندگی ساخته شده یا اینکه اندیشه‌ای پشت اثر است و برای شما انتقال این اندیشه به مخاطب مهم‌تر از فروش بوده؟

از روز اولی که فیلم‌سازی را شروع کردم و زمانی که در دانشگاه درس سینما می‌خواندم به این موضوع فکر می‌کردم، چراکه آن زمان مثلا هم فیلم «برزخی‌ها» اکران می‌شد و هم فیلم «جارنشین‌ها» و طبعاً فیلم‌های خارجی هم نمایش داده می‌شد. به‌هرحال این آثار‌ها در سینما هست و همه به دنبال مخاطبان خودشان هستند. فیلم‌ها مخاطب خاص دارند و بعضی مخاطب عام، فیلم‌سازی که مخاطب خاص هدفش است طبعاً به حضور جشنواره‌ای نگاه ویژه‌تری دارد. فیلم‌هایی که صرفا برای گیشه و مخاطب عام ساخته می‌شوند، گاهی در اجرا هم سهل‌الوصول‌ترند و مدل سرگرمی برای مخاطبان این جنس از سینماست. این تقسیم‌بندی

تجدید فراخوان آگهی ارزیابی کیفی (۹۰-۹۷) نوبت اول

شرکت گاز استان کرمان در نظر دارد مناقصه ای را ، با شرایط ذیل برگزار نماید .
داوطلبان واجد شرایط دارای شناسه ملی اشخاص حقوقی ایرانی در صورت تمایل به شرکت در مناقصه می توانند از زمان درج اولین نوبت آگهی نسبت به تهیه نامه اعلام آمادگی به انمور قراردادها و فاکس آن به شماره ۳۳۲۳۹۶۶۱ یا تحویل آن به دبیرخانه شرکت گاز استان کرمان واقع در بلوار ۲۲ بهمن - حد فاصل سه راه ادیب با چهار راه شعبانیه (در سعات اداری شنبه تا سه شنبه ۷-۱۶ و چهارشنبه ها ۷-۱۵) اقدام و دفترچه استعلام ارزیابی کیفی را نیز از سایت پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس http://iets.mporg.ir دریافت و با توجه به مفاد آن، مدارک مورد نیاز را جهت هر مناقصه بصورت جداگانه تهیه، تنظیم و تکمیل و حداکثر تا ۱۴ روز تقویمی پس از تاریخ چاپ آخرین نوبت آگهی، به دبیرخانه شرکت گاز استان کرمان تسلیم نمایند.
بدیهی است توزیع اسناد مناقصه منوط به ارزیابی کیفی مناقصه گران توسط کمیته فنی-ی و بازرگانی می باشد.
(نوع تضمین شرکت در مناقصه: یکی از تضمین معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی مطابق شرح مندرج در اسناد مناقصه)
متقاضیان می بایست جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت www.nigc-kerman.ir و پایگاه اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir مراجعه و الزاما نسبت به ثبت نام در سایت پایگاه اطلاع رسانی مناقصات اقدام نمایند.
ذکر نوبت های اول و دوم الزامی می باشد.

مدت زمان اجرا(روز)	۲۴۰	تاریخ چاپ نوبت اول	۹۷/۱۰/۸	شماره مجوز	۱۳۹۷/۵/۱۱۰	کد فراخوان
تعداد مرحله	دو	تاریخ چاپ نوبت دوم	۹۷/۱۰/۹	مبلغ تضمین (ریال)	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳,۱۸۵,۹۸۷

موضوع : خرید تجهیزات جهت ذخیره سازی دیتا بیس سرور های مجازی

روابط عمومی شرکت گاز استان کرمان

هنر

شعر

نوی دل

فصل سکوت در تالار وحدت

● گروه هنر: فرهاد هراتی، آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر، با همراهی گروه گر نامیرا آل‌بوم «فصل سکوت» را در تالار وحدت روی صحنه می‌برد. این آهنگ‌ساز، نوازنده و رهبر ارکستر پس از رونمایی و اجرای چندین برنامه از آل‌بوم «فصل سکوت»، ساعت ۲۱:۳۰ یکشنبه ۲۳ دی تازه‌ترین کنسرت این پروژه را همراه با گروه گر نامیرا در قابلی متفاوت روی صحنه می‌برد. این کنسرت به تهیه‌کنندگی مؤسسه «آوای هنر» به مدیریت محمد جلیل‌پور در تالار وحدت تهران میزبان علاقه‌مندان موسیقی است. هراتی درباره جزئیات کنسرت پیش‌رو توضیح داد: سال ۹۶ کنسرت – تئاتر «فصل سکوت» در فرهنگ‌سرای نیاوران تهران روی صحنه رفت و خوشبختانه با استقبال خوب مخاطبان نیز مواجه شد. پس از این اجرا در اردیبهشت سال ۹۷ بود که موفق به رونمایی از آل‌بوم «فصل سکوت» شدیم و پس از برگزاری مراسم رونمایی بود که اجراهای زنده‌ای از این پروژه را ابتدا در کافه‌گالری نیاوران و سپس در فضای باز هتل استقلال و بعد از آن در شهر رشت برپا کردیم. اکنون پس از بازخوردهای بسیار مثبتی که از مخاطبان دریافت شد، تصمیم گرفتیم این‌بار همراه با گروه گر نامیرا اجرای زنده دیگری را با قالبی متفاوت در تالار وحدت روی صحنه ببریم که این‌بار تکنوازی پیانو با همراهی گروه گر خواهد بود. به‌عبارتی من برای کنسرت تهران اثر جدیدی را برای گر نوشتم که برابم تجربه بسیار متفاوتی از آل‌بوم «فصل سکوت» است. او افزود: براساس برنامه‌ریزی‌هایی که انجام شده، قبل از برگزاری کنسرت تهران، اجرای زنده‌ای را ۱۴ دی در سالن سیتی‌سنتر اصفهان خواهیم داشت که این کنسرت نیز به تهیه‌کنندگی مؤسسه «نغمه‌سرای پارسیان» میزبان دوست‌داران موسیقی است. هراتی اردیبهشت سال جاری با هدف تولید اثری متفاوت و تجربی در عرصه موسیقی بی‌کلام آل‌بوم «فصل سکوت» را منتشر کرد.

ادامه از صفحه ۸

خصوصی‌سازی و تضاد طبقاتی

هنوز این دولت و دولت‌های قبلی حاضر نیستند پدیده‌ای به‌عنوان امپریالیسم را به رسمیت بشناسند و بگذارند درباره امپریالیسم صحبت کنیم. از استکبار و استعصاف سخنی می‌گویند؛ درحالی‌که امپریالیسم یک پدیده و سرمایه جهانی یک عملکرد است. بگذارید حرف بزیم و آمریکا را به معنای واقعی بشناسانیم. فردا که جنایت‌شان غلیان کند، فقط ملت و طبقه کارگر است که خانه و خانواده و سرزمینش اینجاست و ثروت ملی را در چمدان نگذاشته برود کانادا. او باید به حمایت از این سرزمین به پا بخیزد. دولت کنونی همچنان دست از خصوصی‌سازی افراطی برنمی‌دارد. با برجام فعلا جنبه کار را از ما دور کرده‌اند؛ ولی سایه جنگ برای همیشه با برجام دور نمی‌شود. جنگ ذاتی امپریالیست‌هاست و زمانی جغد جنگ از سر وپانه‌های وطن ما کم می‌شود که مردم به پا خیزند؛ وقتی مردم پشت قدرت باشند و قدرت از آن مردم باشد و بتوانند با شوراها و سندیکاهاشان از کشور دفاع کنند. چرا ایالات متحده شش هزار کیلومتر دورتر از مرزهای خود به عراق می‌آید؛ ولی ۱۵۰ کیلومتر دورتر به کوپا نمی‌رود؟ چون می‌داند یک ملت با پشتوانه جهانی در مقابلش می‌ایستد. این چیزی بود که برجام برای ما نیاورد و نتیجه آن را هم دیدیم. پیش‌تر نیز پیش‌بینی واضح بودیم: کنونی را در واقع همدام صنعت حمل‌ونقل کرده بودیم. اکنون در دوراهه خصوصی‌سازی و ملی‌کردن قرار داریم، و نیز در دوراهه‌های دیگری همچون پذیرفتن یا نپذیرفتن FATF. درست است که این دوراهه‌ها محصول امپریالیسم جهانی است؛ ولی سیاست‌های اقتصادی سسه ده گذشته زمینه و آمادگی چنین دوراهه‌هایی را فراهم کرده است.

ما چه توصیه‌ای می‌کنیم؛ یکی مشارکت در جنبش ضدخصوصی‌سازی برای عمق و معنادادن به این جنبش. راهکار مقابل خصوصی‌سازی انتقال منابع به دولتی گرفتار فساد نیست که در دست‌انداز منافع شخصی خود و نزاع جناح‌ها گیر کرده. حذف خصوصی‌سازی به منزله قدرت‌دادن به ملی‌کردن و اجتماعی‌کردن دارایی‌هاست. باید در همه این جریان‌ها از خواست آمیزه‌ای از عدالت و دموکراسی دفاع کنیم. حذف خصوصی‌سازی بدون دموکراتیک‌کردن عمیق اجتماعی نامیسر است؛ یعنی بدون حذف فاسدانی که منابع مردمی را از آن خود کرده‌اند، حق تشکل، حضور سازمان‌یافته مردم در شوراها و در مجالس از جمله پیش‌نیازهای مخالفت با خصوصی‌سازی است. فرایند خصوصی‌سازی در سال‌های گذشته به مجلس شورا نیز رسید. شرط دکترا و فوق‌لیسانس برای نمایندگی مجلس خصوصی‌سازی است. در تمامه این فرایند فعالان آزادی‌خواه و عدالت‌خواه باید در برابر توطئه‌ها و مداخله‌های امپریالیستی و صهیونیستی و نیز عربستان سعودی هوشار باشند. راه ما به هیچ وجه با راه آنها همسازي ندارد و باید بر روی دو پای خود راه ببریم.

دوستش داشتند و در آخر فیلم‌برداری هم حامد بهداد سرپرستی‌اش را قبول کرد.

● شما می‌گویید اسم اولیه فیلم «خودسر» بود و بعد به «مارموز» تغییر کرد، فکر می‌کنید کدام صفت به شخصیت اصلی قصه نزدیک‌تر است؟

● از«خودسر» معانی مشخصی در ذهنمان در ادبیات سیاسی این سال‌ها منبأد می‌شود. چیزی که در ارتباط با خودسر در فلاش‌کدهایی از این شخصیت می‌بینیم، جایی است که در خیابان و هر جا حمله و ارشاد می‌کند و با خشونت به مردم تذکر می‌دهد. اما در بخش‌هایی دیگر از فیلم می‌بینیم که این شخصیت در گذشته موهای بلندی داشته و در اعتراضات دانشجویی شرکت می‌کرده و خلاصه عاشق‌پیشه و شاعر-مسلك بوده. متوجه می‌شوم یک جور اغتشاش و شلوغی در روند قصه اثرآمی است، اما به نوعی در رابطه با آدم‌هایی شبیه قدرت (حامد بهداد) درست نمی‌شود فهمید که تا چه میزان سودای قدرت، او را به ره حرکتی وامی‌دارد و تا چه حد به اصول خود اعتقاد دارد. موضع خود شما در قبال قهرمان فیلم‌تان چه بود؟

در فیلم شخصیتی که مانی حقیقی ایفا می‌کند، نیز همین ویژگی را دارد. در دانشگاه مدل دیگری است و حالا که وارد بازار کار شده است، طور دیگری رفتار می‌کند. اشاره من به پدیده خودسر آدمی است که وراي قانون عمل می‌کند. متأسفانه این امکانی است که جامعه برای عده‌ای فراهم می‌کند تا کسانی برای طی کردن پله‌های ترقی و قدرت دست به تظاهر بزنند. همین باعث می‌شود که مثلا شما آدمی را ببینید که اختلاس کرده و همان زمان که این اختلاس را انجام داده است، قفیه هم دور گردنش بوده و بعد با پول مردم فرار کرده است. جایی از فیلم اشاره مستقیم به این موضوع دارد که یک کاندیدای انتخاباتی ریاست‌جمهوری با مجلس به دنبال خواننده رب در فضای مجازی که میلیون‌ها فالوور دارد می‌رود. بنابر این این دو باید کنار هم باشند، حتی اگر بدن خواننده تماما خالکوبی است. در واقع در زمانی به چیزی جنگ بزیم و موضوع اخلاق، اعتقاد و جهانی‌بینی را فراموش کنیم و فقط به این فکر کنیم چطور تعداد آرا را بیشتر کنیم. آدم‌ها در مقاطع مختلف گرایشات و کشش‌های مختلفی دارند. می‌توانند در دوره‌ای مدل آدم عاشق‌پیشه‌ای باشند یا آدمی است که اهل نوازندگی است اما این چرخه اجتماع آدم‌ها را آرام آرام به آدم دیگری تبدیل می‌کند. اساسا وقتی در جامعه ما ویژگی هست که کسی می‌تواند یک شبیه ره صدساله را برود، همین حس به سایر حوزه‌ها هم نفوذ می‌کند. مثلا در دوران آقای پرستویی یا من یـا خیلی از هم‌دوره‌ای‌های من یا قبل از انقلاب، مکانیسمی وجود داشت که آدم‌ها از نقطه‌ای برای پیشرفت شروع می‌کنند و به‌مرور به جایگاهی که مدنظر دارند، می‌رسند. درحال‌حاضر همه جوان‌ها در همه حوزه‌ها قصد دارند که نخستین کارشان بشود سکوی پرتاب و دومین کار موفقیت کاملشان باشد. هیچ‌کس به این فکر نمی‌کند که نابرده رنج، کنج مسیر نمی‌شود. موقعیت جامعه ما به جایی رسیده است که اکثریت فکر می‌کنند برای رسیدن به گنج، رنج نیاز نیست. شخصیتی که در فیلم می‌بینی از نقطه‌ای شروع کرده است که خیلی معمولی بوده، مرحله‌ای را طی کرده و الان به این جایگاه رسیده است. من آدم‌هایی را می‌شناسم که اتفاقا با آنها در دوران دانشجویی صمیمی و نزدیک بودم و همان آدم‌ها الان تبدیل شدند به آدم‌هایی که خیلی مدل خودسراي عمل می‌کنند.

● شما در جایی از گفت‌وگو اشاره کردید در خارج از کشور این فیلم به نمایش در آمده و به‌جمع جرم ایرانی‌های ساکن خارج برای مخاطب خارجی هم به نمایش گذاشته شده است. فکر می‌کنم بسیاری از شوخی‌ها و متلک‌های برای مخاطب خارجی قابل فهم نیست. مگر وقتی از «دلوایسان» می‌گویید، قطعاً ما متوجه مفهوم این واژه می‌شویم و اینکه کدام جناح مدنظر است، یا چه کردند و چه وزنی در دنیای سیاست دارند. اما آیا خارجی‌ها هم همین‌طور با فیلم ارتباط برقرار کردند؟ این رنگ‌بندی بین قرمز و آبی – اساططلبان و اسواکرایان – یا این را یک مخاطب خارجی متوجه می‌شود؟

اتفاقا برای خود من هم عجیب بود. یکی از این موارد را خودم شاهد بودم و فکر می‌کنم مقدار نسبتا قابل‌توجهی از این موضوع به نحوه ترجمه گفتارها مربوط می‌شود چراکه نیاز نسبت وقتی زیرنویس می‌کنیم ترجمه لغت به لغت انجام شود در واقع این ترجمه مفهومی است. ولی فکر می‌کنم همه دنیا تصویری از تـسدروی را به خاطر دارند. مثلا وجود داعش و تصویری که تمام دنیا از این طرز فکر پیدا کرده، نکته دوم این است که چون در پوسان حضور داشتیم با مردم فیلم را در سالن سینما دیدم. مردم گرچه‌نوبی با فیلم خیلی خوب ارتباط برقرار کردند و آن‌طور که در جلسه پرسش و پاسخ بعد از فیلم متوجه شدم، این بود که اتفاقات کره‌شالی این حس را برای آنها تداعی می‌کرد. اما فکر می‌کنم اساسا درباره موضوع تـددروی و خود را برتردانستن نسبت به بقیه افراد، مابازایی در همه دنیا وجود دارد.

ادامه این مصاحبه را در شماره بعد بخوانید